info@pamaydaily.ir

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۷۲۱

سه‌شنبه / ۱۴/ اسفند/ ۱۴۰۳

۳ / رمضان / ۱۴۴۶

04 / March / 2025

پیام آشنا

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان

مدیر مسئول: محمود حیدری سردبیر: باهره حیدری

نشانی: کرج، بلوار تعاون، خیابان فرهنگ، جنب کافون کارشناسان رسمی دادگستری

تلفن: ۳۲۵۳۲۸۳۸-۳۲۵۳۴۴۴۳-۰۲۶- فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱

امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۶۷/۸۰

چاپ: کارگر

امروز با حافظ

ستاره‌ای بدرخشید و ماه مجلس شد
دل رمیده ما را رفیق و مونس شد
نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسأله‌آموز صد مُدَرِّس شد

خوشا

سلوک عشق محال است
بی ثبات قدم
قدم به صدق نه ای دل
خدا ثبات دهد

جامی

اذان

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۰۵:۰۶	۰۶:۳۰	۱۲:۱۸	۱۸:۰۴	۱۸:۲۳

برگه

در زندگی تعداد محدودی «بله» در اختیار ما قرار دارد که پیش از به‌کارگیری‌شان باید با تعداد بی‌شماری «نه» از آن‌ها محافظت کنیم...

کریستین بوبن

گزارش روز

روزهایی که بسیاری از جوانان خواستار حذف سربازی هستند، گروهی دیگر امضا جمع کرده‌اند تا زنان هم به سربازی بروند. آیا واقعا این یک مطالبه برای برابری است.

برابری در سربازی؟ اشتباه گرفته‌اید!

به گزارش پیام آشنا به نقل از مهر، «آیا ما در ایران آن قدر بی‌غیرت شده‌ایم که دختر ۱۴ سالمان را به خط مقدم بفرستیم؟» تف بر شرف ما! یعنی ما مردهایم که دخترانمان را به جنگ بفرستیم و بعد دشمن بخواهد آن‌ها را اسیر کند؟ آقا ما ثابت کردیم دختر ما، زن ما گرفتار شده بود در خرمشهر ما برای آوردن جنازه‌اش شهید دادیم؛ که جنازه او دست عراقی‌ها نیفتد. کسی منکر این نیست که خواهران ما، زنان ما در جنگ نقش اسلمی داشتند اما در جای خودشان! کی گفته است که دختر به خط مقدم برود و بجنگد؟»

این حرف‌ها را امیر دریادار حبیب‌الله سیاری می‌گوید؛ مردی که سال‌ها در میدان‌های جنگ حضور داشته است. او از غیرت مردانی می‌گوید که در دفاع مقدس حاضر بودند برای نجات جنازه زنان ایرانی از دست دشمن، جان بدهند. ولی پسران امروز فضا جمع می‌کنند تا دختران و زنان و خواهرشان را راهی سربازی کنند. ویدئو این محبت‌ها اخیرا در فضای مجازی به خصوص اینستاگرام پربازدید شده است.

برای سال‌ها، بحث سربازی در ایران محل مناقشه بوده است. حالا موج جدیدی از این بحث با چالشی تازه همراه شده؛ آیا زنان هم باید همدلند مردان دو سال از عمرشان را در خدمت نظام وظیفه بگذرانند؟

کارزاری که به‌تازگی در فضای مجازی منتشر شده، خواستار سربازی اجباری برای زنان است. امضاکنندگان آن معتقدند اگر دختران در دانشگاه درس می‌خوانند و از امتیازات اجتماعی برخوردارند، باید ملند مردان در خدمت کشور هم باشند. اما این مطالبه با واکنش‌های تندی روبه‌رو شده است. منتقدان می‌پرسند: آیا راه‌حل نابرابری، تحمیل یک اجبار دیگر است و این طرح واقعا به دنبال عدالت است؟

چرا دخترها دانشگاه بروند اما سربازی نه!

۱۰ مردادماه امسال بود که کارزاری با هدف اجباری شدن سربازی برای زنان به راه افتاد. متن این کارزار، خطاب به «محمدباقر قالیباف»، رئیس مجلس شورای اسلامی، نوشته شده است: «ما سلام، با توجه به اینکه دختران نیز همچون پسران در این سرزمین زندگی می‌کنند، عادلانه است که همدلند اکثر کشورهای جهان، آنان نیز دو سال از عمر گران‌بهایشان را صرف خدمت به ایران کنند. ما امضاکنندگان این کارزار، خواستار تصویب قانونی برای سربازی اجباری بانوان هستیم؛ قانونی مشابه جذب سرباز به‌صورت امریه، که به نهادهای دولتی و شرکت‌های دانش‌بنیان اجازه دهد از توانایی علمی و مهارتی زنان بهره ببرند. چرا باید دختران را به دانشگاه بفرستیم، اگر قرار نیست ملند مردان در خدمت کشور باشند؟ از شما تقاضا داریم در این مسیر عادلانه یاری‌مان کنید»

می‌گویند دو سال از بهترین سال‌های عمرشان را باید در خدمت سربازی بگذرانند. می‌گویند باید قانونی برای سربازی اجباری بانوان جوان کشور تصویب شود. می‌گویند باید ملند یک کارمند ساده، تنها با تکیه بر دانشی که کسب کرده‌اند، به مدت دو سال کار کنند؛ می‌گویند چرا دختران راه به دانشگاه می‌فرستید اگر قرار است به‌دنبال هیچ استفاده‌ای از آن‌ها در جامعه نشود. آنهایی که این کارزار را نوشته‌اند و امضا کرده‌اند گویی دشمنی پنهانی با دخترها دارند و آنها را مستول سربازی پسران می‌دانند.

مدتی بعد در اسفندماه سال جاری این کارزار سر و صدای زیادی به پا کرد. لگار کم مردم یک دفعه آن را دیدند و حسابی به چشم‌شان آمد و موجی از واکنش‌ها آغاز شد. در کمتر از یک هفته، بیش از ۱۶۰ هزار نفر آن را امضا کردند و این در حالی است که کارزار درخواست «حذف همیشگی سربازی اجباری»، که از تیرماه ۱۴۰۲ آغاز شده بود، تاکنون تنها ۱۱۷ هزار امضا داشته است. این افزایش تعداد امضاها برای حذف اجباری سربازی به دنبال جنجال‌ها و بحث‌های گسترده درباره سربازی دختران بود؛ چرا که قبل از این موج، بسیاری از مردم به این کارزار توجهی نمی‌کردند.

الگویی جهانی با فقط ۱۶ کشور

نویسنده کارزار در بخشی به الگوی برخی کشورهای دیگر اشاره می‌کند. کشورهایی که در آن‌ها زنان هم لباس نظامی به تن می‌کنند. اما این قیاس شاید نتواند تمام ابعاد موضوع را پوشش دهد و به نظر می‌رسد هدف از آن بیشتر تقسیم بار سربازی از دوش مردان باشد. همچنین، موضوع سربازی زنان در کشوری که نهادهای دولتی و شرکت‌های دانش‌بنیان جوان‌بنیان، با ساختار فرهنگی و تاریخی خاص خود به‌راحتی قابل تطبیق نیست.

در برخی کشورهای خاص مانند نروژ، سوئد، چین، امارات و کره شمالی، زنان هم مثل مردان ملزم به لجام خدمت سربازی هستند. البته در این کشورها، شرایط و مدت زمان خدمت برای زنان ممکن است متفاوت از مردان باشد و حتی تحت قوانین خاصی قرار گیرد. اما در طرف مقابل، بسیاری از کشورهای دیگر مانند آمریکا، کانادا، دانمارک، فنلاند، نیوزیلند، مکزیک و سوئیس، خدمت نظامی را برای زنان اختیاری گذاشته‌اند. در این کشورها فرصت‌هایی برای زنان در ارتش وجود دارد، اما هیچ‌کس آن‌ها را به خدمت اجباری نمی‌کشاند.

علاوه بر این، بعضی کشورها هم شرایط خاص خود را دارند. برای مثال، در فنلاند زنان می‌توانند داوطلبانه به خدمت بروند، اما پس از ۴۵ روز ابتدایی دیگر حق انصراف ندارند. در میانمار، زنان در صورت ازدواج یا داشتن فرزند از خدمت معاف می‌شوند. در بوتان هم زنان می‌توانند به‌عنوان متخصص نظامی استخدام شوند، ولی سربازی برایشان اجباری نیست. حالا وقتی در این کارزار از «الگوی بیشتر کشورهای جهان» صحبت می‌شود، بهتر است مشخص کنند که منظورشان دقیقا ۱۶ کشور از مجموع ۱۹۳ کشور جهان است!

«برابری» فقط در سربازی معنا پیدا نمی‌کند!

در حالی که کارزار سربازی اجباری برای زنان با سرعتی زیادی پیش می‌رفت، گروهی دیگر از مخالفان هم دست به کار شدند و کارزار جدیدی با عنوان «اعتراض و مخالفت با تصویب قانون سربازی دختران» راه انداختند تا مخالفت خود را به نمایش بگذارند. سوال اینجاست که چرا برخی مردان، به‌جای تلاش برای لغو سربازی اجباری برای خود، در حال تلاش برای تحمیل همین شرایط به زنان هستند؟ اگر نیمی از لرزی و تلاشی که برای سربازی زنان صرف شد، برای لغو اجباری بودن سربازی مردان به کار می‌رفت، شاید امروز در موقعیت متفاوتی قرار داشتیم.

اما نکته جالب‌تر اینجاست مردانی که امروز از «برابری در سربازی» حرف می‌زنند، آیا آماده‌اند از دیگر امتیازات خود نیز صرف‌نظر کنند؟ گواهینامه موتورسیکلت بدون نیاز به مجوز خاص، حق خروج از کشور بدون اجازه همسر، حق طلاق یکطرفه. برابری، اگر قرار باشد معنی واقعی‌اش را داشته باشد، یک مفهوم یک‌جانبه نیست. اگر این گروه واقعاً به دنبال عدالت هستند، شاید بهتر باشد این عدالت را در تمام ابعاد زندگی اجتماعی جستجو کنند نه فقط در موضوعی که به نفعشان تمام می‌شود.

دیدگاه

تک‌فرزندی با روح و روان بچه‌ها چه می‌کند؟

یک جامعه‌شناس و استاد دانشگاه معتقد است: تک‌فرزندی یک مسیر به سوی تنهایی فردی است که فرد نه تنها در نوران کودکی، بلکه در طول زندگی با آن نسبت به گریبان خواهد بود. این احساس تنهایی می‌تواند در روان او رخنه کند و مشکلاتی را در ابعاد اجتماعی و روانی به همراه داشته باشد.

به گزارش پیام آشنا به نقل از ایرنا، کاهش فرزندآوری در ایران به تغییراتی در سبک زندگی خانواده‌ها منجر شده است. این تغییرات نه تنها آینده اجتماعی و اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه تحولات عمیقی در روابط خانوادگی و ساختارهای اجتماعی ایجاد می‌کند. در چنین شرایطی، نگاه به نهاد خانواده و تحولات آن نیازمند بررسی دقیق‌تری است.

عالیه شکربیگی جامعه‌شناس و استاد دانشگاه به ابعاد مختلف این مسأله پرداخته و نگرانی‌های جدیدی را مطرح می‌کند که در صورت بی‌توجهی به آن ممکن است پیامدهای گسترده‌تری به همراه داشته باشند. متن گفتوگو را در ادامه می‌خوانیم:

عامل اصلی کاهش فرزندآوری یافته‌های مرکز آمار نشان می‌دهند اندازه خانواده‌ها در سال‌های اخیر کوچک‌تر شده و تعداد فرزندان کاهش یافته است. چه عواملی را می‌توان به عنوان دلیل اصلی آن مطرح کرد؟

عالیه شکربیگی: بله، اندازه خانواده‌ها در سال‌های اخیر کوچک‌تر شده و تعداد فرزندان کاهش یافته است. این تغییرات در واقع نتیجه کاهش ازدواج و کاهش باروری است. به نظر من، مهم‌ترین دلیلی که می‌توان برای این کاهش مطرح کرد، مسئله نگرانی‌های اقتصادی خانواده‌هاست. در یکی از فیلم‌هایی که در جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد، فیلمی به نام «رها» بود که داستان یک خانواده چهار نفره را روایت می‌کرد. رها دختر خانواده بود که دانشجو بود و این خانواده شرایط اقتصادی سختی داشتند. در نهایت برای تأمین هزینه یک لیتراژ که رها برای کارهای پژوهشی نیاز داشت، برادرش مجبور به دزدی شد و در نهایت این مسائل منجر به کشته شدن رها شد. در چنین شرایطی که وضعیت اقتصادی خانواده‌ها اینطور است، چطور می‌توان از آنها خواست که فرزند بیشتری بیاورند؟ ما باید شرایط و زیرساخت‌های لازم را فراهم کنیم تا خانواده‌ها احساس امنیت کنند.

وقتی عمو و خاله در خانواده‌ها کمرنگ می‌شوند

چه تبعات روانی و اجتماعی ممکن است برای افراد و جامعه به دنبال افزایش تک‌فرزندی به وجود آید؟

شکربیگی: اولین مسئله‌ای که در این زمینه پیش می‌آید، کمرنگ شدن روابط خویشاوندی در جامعه است. مفاهیمی مثل عمو، خاله، دایی، برادر و خواهر که جزء اصول ساختاری نهاد خانواده در ایران بوده‌اند، به تدریج کمرنگ می‌شوند. وقتی در یک خانواده تنها یک فرزند وجود داشته باشد، این روابط گسترده خانواده‌ای کمتر شکل می‌گیرد. به عنوان مثال، وقتی فردی تنها یک برادر یا خواهر ندارد، در آینده که خود تشکیل خانواده می‌دهد، دیگر نمی‌تواند عموی یا خاله‌ای برای فرزند خود باشد. این تغییرات در نهایت به تنهایی بیشتر افراد منجر می‌شود. اگر فردی تک‌فرزند باشد، حتی در صورتی که ازدواج کند و فرزندی داشته باشد، در فرونش احساس تنهایی را تجربه خواهد کرد. در واقع، تک‌فرزندی یک مسیر به سوی تنهایی فردی است که فرد نه تنها در نوران کودکی بلکه در طول زندگی با آن نسبت به گریبان خواهد بود. این احساس تنهایی می‌تواند در روان او رخنه کند و مشکلاتی را در ابعاد اجتماعی و روانی به همراه داشته باشد.

این مسئله فقط محدود به مشکلات فردی می‌شود یا پیامدهای گسترده‌تری برای جامعه هم دارد؟

شکربیگی: قطعاً از نظر اجتماعی، تک‌فرزندی باعث کاهش جمعیت جوان می‌شود که این موضوع در آینده مشکلات زیادی را ایجاد می‌کند. به ویژه در حوزه بازنشستگی و تأمین نیروی کار جوان. با کاهش فرزندآوری، جامعه دیگر نمی‌تواند بحلور مؤثر جایگزین‌های مناسب برای بازنشستگان فراهم کند. این مسئله نه تنها به نهاد خانواده آسیب می‌زند، بلکه بر کل ساختار اجتماعی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد. بنابراین، کاهش فرزندآوری نه تنها پیامدهای روانی بدی برای افراد دارد بلکه برای جامعه و نهادهای مختلف اجتماعی نیز تبعات منفی به همراه خواهد داشت.

آیا کاهش تعداد فرزندان در خانواده‌ها می‌تواند به احساس سرافکندگی نسبت به خانواده‌های پرجمعیت مرتبط باشد؟

شکربیگی: در این سوال ۲ موضوع متفاوت مطرح شده؛ یکی کاهش تعداد فرزندان در خانواده‌ها و دیگری ارتباط آن با احساس سرافکندگی نسبت به خانواده‌های پرجمعیت. به نظر من، این ۲ مقوله جدا از هم هستند. امروزه در جامعه ما ۳ سبک زندگی متفاوت وجود دارد. یک سبک زندگی رسمی و دیگری غیررسمی. در سبک زندگی رسمی، خانواده‌هایی وجود دارند که به نوعی در دایره حاکمیت و دسترسی به امکانات قرار دارند. این خانواده‌ها از نظر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حمایت می‌شوند و به دلیل دسترسی به رشته‌ها و امکانات بیشتر، نگرانی چندانی برای هزینه‌های فرزندآوری ندارند. بنابراین، آن‌ها تمایل به داشتن خانواده‌های پرجمعیت دارند. در این شرایط، بحث احساس سرافکندگی به هیچ عنوان مطرح نیست.

در مقابل، در خانواده‌هایی که با مشکلات اقتصادی مواجه هستند یا آن‌هایی که به امکانات کمتری دسترسی دارند، کاهش تعداد فرزندان بیشتر به دلیل فشارهای اقتصادی و تغییر نگرش نسبت به فرزندآوری است. این موضوع به مسئله هزینه‌های زندگی، نگرانی‌های اقتصادی و نیاز به تأمین شرایط بهتر برای فرزندان مربوط می‌شود. البته باید توجه داشته باشیم که در برخی موارد، مسائل پزشکی و بهداشتی هم می‌توانند در تعداد فرزندان خانواده‌ها تاثیرگذار باشند. در مجموع، کاهش تعداد فرزندان بیشتر به این مسائل مربوط است تا احساس سرافکندگی نسبت به خانواده‌های پرجمعیت.

تک‌فرزندی: نتیجه شرایط ناعادلانه نه فخرفروشی

به نظر شما، آیا تک‌فرزندی نوعی فخر فروشی محسوب می‌شود؟

شکربیگی: به نظرم قرائتی که تک‌فرزندی را به عنوان فخر فروشی می‌بینند، لسان‌های ناآگاه هستند. تک‌فرزندی نه تنها هیچ مزایایی برای نهاد خانواده ندارد، بلکه برای جامعه هم مفید نیست. در واقع، این تفکر که تک‌فرزندی یک نوع فخر فروشی است، کاملاً اشتباه است. چون تک‌فرزندی در شرایطی که بسیاری از خانواده‌ها توانایی تأمین ماایحتاج ۲ یا سه فرزند را ندارند، نه تنها باعث کاهش رفاه خانواده‌ها می‌شود بلکه به مشکلات اجتماعی و روانی هم دامن می‌زند. امروزه ما در شرایطی قرار داریم که خانواده‌ها به سختی می‌توانند نیازهای ابتدایی فرزندان خود را تأمین کنند. من اعتقاد دارم که نهادهای حاکمیتی باید نگاه دلسوزانه مسئولانه و متعهدانه‌تری نسبت به مردم داشته باشند. بنابراین، مشکل اصلی نه در تک‌فرزندی بلکه در شرایط اقتصادی و اجتماعی حاکم است که باعث شده خانواده‌ها از فرزندآوری صرف‌نظر کنند و حتی فکر کنند که داشتن تک‌فرزند هم یک نوع «فخر» محسوب می‌شود.

تغییرات در نوع نگاه جامعه به خانواده، چه تأثیری در کاهش تعداد فرزندان و روند تک‌فرزندی داشته است؟

شکربیگی: این تغییرات در نگاه جامعه به خانواده تأثیر زیادی داشته است. وقتی جامعه به نهاد خانواده به این شکل نگاه می‌کند و مسائل اقتصادی و معیشتی در صدر مشکلات قرار می‌گیرد، طبیعی است که تعداد فرزندان کاهش یابد. علاوه بر این، تغییر نگرش‌ها در جامعه و رسانه‌ای شدن مسائل خانوادگی نیز در این روند مؤثر است. مسئولان باید توجه بیشتری به شرایط معیشتی و اقتصادی مردم داشته باشند و به این ترتیب ممکن است نگرش‌ها به خانواده تغییر کند و شرایط برای فرزندآوری بهتر شود.

اگر حمایت نباشد، ازدواج و فرزندآوری معنایی ندارد

آیا فکر می‌کنید مسئولان باید تغییراتی در سیاست‌های خود ایجاد کنند؟

شکربیگی: بله، به طور قطع. مسئولان باید لبتدا خودشان را بررسی کنند و از خود بپرسند که چه کارهایی در جهت حمایت از خانواده‌ها انجام دادند. در حال حاضر، کاهش ازدواج و باروری پیامدهای مستقیم ناکارآمدی در سیاست‌های مرتبط با خانواده است.

در پایان این گفتگو، اگر نکته دیگری برای اشاره دارید بفرمایید.

شکربیگی: نکته‌ای که باید به آن توجه کنیم این است که ما اغلب درباره تک‌فرزندی، کاهش ازدواج و ابعاد مختلف خانواده صحبت می‌کنیم اما وقتا کمتر فردی به این مسئله می‌پردازد که چرا خانواده‌ها به این وضعیت تن دادند. در حال حاضر، این انتظار وجود دارد که خانواده‌ها فرزندآوری داشته باشند اما این انتظار بدون در نظر گرفتن شرایط واقعی خانواده‌ها کاملاً بی‌پایه است.

مسئولان باید نگاه خود را به این موضوع تغییر دهند و نگاهی شبیه به کشورهای توسعه‌یافته داشته باشند. در بسیاری از این کشورها، هر نوزادی که به دنیا می‌آید به‌عنوان یک سرمایه انسانی محسوب می‌شود و تمام امکانات و برنامه‌ریزی‌ها برای آینده او از همان ابتدا فراهم می‌شود. مسئولان باید درک کنند که وقتی از خانواده‌ها می‌خواهند فرزند بیاورند، باید تمامی نیازهای مالی، اجتماعی و عاطفی آن‌ها را در نظر بگیرند. قبل از اینکه از خانواده‌ها توقع داشته باشیم که فرزند بیاورند، باید عملکرد مسئولان در تأمین نیازهای اجتماعی و اقتصادی مردم بررسی شود. ما نمی‌توانیم از خانواده‌ها انتظار داشته باشیم که فرزند بیاورند در حالی که خودشان با مشکلات معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند.

مکث

تحصیل رایگان مهجورترین قانون

همچنان خواست نوشتن است اما مشکلت است. طاقت فرسایست و در نهایت اگر هم بنویسد، چیزی از بی‌عدالتی رایج در سیستم آموزشی کم نمی‌کند. این که یک نفر در روستایی دورافتاده، درس بخواند، خودش را بالا بکشد، بسیاری از فضای مجازی درباره‌اش به راحتی سؤال‌هایش برسد و ممکن است او را به آنچه می‌خواهد برساند اما کسی نمی‌تواند منکر تفاوت فاحش میان مسیری که او گذرانده با دانش‌آموز دیگری که در پایتخت استان و در مدرسه‌ای استاندارد و قابل قبول تحصیل کرده است، بشود.

به گزارش پیام آشنا به نقل از جام‌جم آنلاین، این همان چیزی است که اجرای عدالت آموزشی را بیشتر از هر وقت دیگری، زیر سؤال می‌برد!

شهرهای مدین و بزرگ را ببینید که والدین دانش‌آموزان، از تعیین آموزش مهارت‌های فردی بچه‌های‌شان در مدارس مختلف می‌گویند؟ این که یک مدرسه زبان فرانسه یاد می‌دهد و دیگری کلاس زبان انگلیسی‌اش را هم در حداقل ساعات درسی برگزار می‌کند. ببینید که برخی شکایت دارند که کلاس شنای مدرسه غیرانتفاعی هر هفته رأس زمان مقرر برگزار می‌شود اما ورزش مدرسه دولتی، بدون معلم ورزش و به بطالت می‌گذرد؟ چون تازه روی خوب ماجراست. این تفاوت‌ها آنچایی روی قیمتگیر خودش رانشان می‌دهد که بخواهیم هردوی این مدارس را با مدرسه‌ای روستایی در لب مرز مقایسه کنیم. آنجا که از ابتدای یافت قدیمی و غیرراستاندارد مدرسه، سوز سرمای این روزها داخل کلاس می‌آید؛ اگر نه اگر که اینجا مدرسه بوده که و قرار است شرایطی برای درس خواندن و تحصیل بچه‌ها در آرامش و آسایش برقرار باشد. بی‌عدالتی آموزشی، آنجایی خودرانشان می‌دهد که بحث از نداشتن کتاب و معلم گذشته است و ابتدایی‌ترین نیاز تحصیل، یعنی مدرسه در روستا بچه‌ها وجود ندارد و سرزی درس خواندن، برای همان بدیهی‌ترین حق یک کودک، چرا دش زمین مسیرها را می‌گذرد و خودش را به روستای دیگری می‌رساند؛ ناشاید آینده‌ای روشن برایش وجود داشته باشد.

تناسب اندام برای کتاب‌های درسی!

«برای آموزش و یادگیری، نیاز به دو عنصر ضروری داریم: معلم و کتاب!» این را علی امرایی، عضو کمیسیون آموزش دیدجان دشقفیت و عدالت می‌گوید و معتقد است که در سال‌های اخیر، هر دوی این عناصر به طور عادلانه در اختیار مشتاقان به آموزش و یادگیری قرار نگرفته است. «واقعیت این است که در دو سال‌های اخیر این اتفاق افتاده که کتاب درسی، به تنهایی نمی‌تواند پاسخگوی سؤالات و نیازهای دانش‌آموزان باشد؛ برای همین است که دانش‌آموزان در مقاطع مختلف، به سراغ کتاب‌های کمک‌آموزشی می‌روند.»

اما در شرایط فعلی، با قیمت صعودی کتاب، وادارآمدهای کارمندی و کارگری، همه دانش‌آموزان از اقشار مختلف جامعه، می‌توانند کتاب‌های کمک‌درسی تهیه کنند؟ این در حالی است که اگر کتاب درسی جامعیت داشته باشد! اگر به جای دو مثال ریاضی، ۱۰ مثال بیاورد، دیگر ضرورت نداشت کتاب کمک‌آموزشی کم و کمرنگ می‌شود. آن وقت است که می‌توانیم از عدالت حرف، بزنیم؛ «برقراری عدالت، خیلی هم کار سختی نیست؛ تنها لازم است که کتاب‌های درسی‌مان لاغر و کتاب‌های کمک‌آموزشی‌مان چاق نباشند! کافی است تمام موارد ضروری برای یادگیری دانش‌آموزان در یک کتاب اصلی ارائه شود. در این صورت، دیگر دانش‌آموزی احساس نمی‌کند که برای موفقیت، به کتاب‌های کمک‌آموزشی نیاز دارد؛ کتاب‌هایی که ممکن است توان خرید آنها را نداشته باشند و این خود ناعدالتی محسوب می‌شود.»

این تفاوت‌های توی ذوق‌زن

خانه برایش تبدیل به یک جای خوب، اما تفن‌ها هرچه هست، هرچه می‌بیند و هرچه یاد می‌گیرد، همان‌جاست؛ همینجا در مدرسه. آنجا درس می‌خواند، زندگی می‌کند، فیلم می‌بیند، لنخرو چکوزی می‌رود. کلاس بوگلیش سر جای خودش است و اپلیکا یاد می‌گیرد، موسیقی می‌نوازد و خب شب هم، خسته و البته سرشار از مهارت و یادگیری، به آغوش پدر و مادر برمی‌گردد. «آن طرف قضیه چیست؟ یک اختلاف طبقاتی عجیب که هرجایی اگر خودش رانشان بدهد، در آموزش، حق خودمانی ندارد. خودمانی برای دانش‌آموزی که قرار است با یک کلاس چند ساعته و مختصر، ریاضی بخواند و متوجه نشود و فکر کند اشکال کار از خودش است، نه سیستم آموزشی ما!» علی امرایی از سیستمی می‌گوید که دو دوست، دو همسایه و شاید دو قوم و خویش را با یواشکه اختلاف مدرسه‌های‌شان از هم جدا کرده و یکی آموزش بهتری برای خوب زندگی کردن می‌بیند و دیگری، به‌طبل وضع معمولی خودمان، همه‌جیز را در کمترین و ارزان‌ترین سطح ممکن یاد می‌گیرد.

یک آموزش با کیفیت

می‌خواهد سیاه باشد یا سفید! می‌خواهد در شمال آفریقا باشد یا جنوب ایران. می‌خواهد خانواده ثروتمندی داشته باشد یا نه فارغ از این که یوسف در عمل چقدر به تعهداش در قبال بچه‌های دنیا عمل می‌کند اما حداقل در ظاهر ماجرا حق تحصیل، یکی از پربرنگ‌ترین حقوق نوشته شده در پیمان‌نامه کودکان یونیسف برای تمام کودکان دنیاست. یک واقعیت جهانی که در چارچوب ملی هم جایگاه ویژه‌ای دارد و آنچه میان حوزه آموزش و سایر حوزه‌ها خط قرمز می‌کشد. اصل ۳۰ قانون اساسی است. اصلی که از فراهم بودن آموزش رایگان برای همه افراد جامعه می‌گوید. پول همه‌جا نمی‌تواند و نشاید باید کاری کند کارستان! لاینحله! آموزش که از یونیسف تا قانون اساسی، از ضرورت فراهم بودنش برای همه به مساوات می‌گویند. موضوعی که علی امرایی هم بر آن تاکید دارد: «بند اول اصل ۳۰ قانون اساسی از آموزش رایگان می‌گوید. نه رایگان صرفا در کلمه و یک آموزش سطحی و بدون هیچ دستاورد و ارزش افزوده‌ای. آموزش درست یعنی یک آموزش اصولی، کافی، صحیح و در نهایت رایگان برای همه بچه‌ها. رایگان بودن یک کلاس دوساعته ریاضی با کتاب کهنه‌تر از بودن هیچ کلاس و قبل برنامه‌ای نمی‌تواند آموزش رایگان مورد نظر ما باشد.» یک لیفی نخی رایگان هم می‌تواند لیوانی رایگان را بدک بکشد اما وقتی تنی را در سرمای زمستان گرم نمی‌کند، فایده‌ای نخواهد داشت. در واقع اصل ۳۰ قانون اساسی، زمانی اجرایی می‌شود که یک معلم ماهر، در وقت کافی و با محتوای کامل یک کتاب، در اختیار همه بچه‌ها قرار داشته باشد. آن وقت است که می‌توانیم بگوییم آموزش رایگان در دسترس همه بچه‌های کشور قرار دارد. آن وقت است که بند ۱ اصل ۳۰ قانون اساسی، یعنی عدم تبعیض نادیده هم به درستی اجرا خواهد شد.

برش

چرا رنگ آب در مکان‌های مختلف از جهان تفاوت دارد؟

آب در مکان‌های مختلف رنگ‌های متفاوتی دارد. گاهی مثل یک لیوان آب خنک کاملا شفاف و بی‌رنگ به نظر می‌رسد، در دریا و قایقی به رنگ آبی درمی‌آید، گاهی هم به رنگ سبز و در مواقعی هم گل‌آلود و تیره است. اما چرا رنگ آب در مکان‌های مختلف تفاوت دارد؟

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری آنلاین، قطعا شما هم وقتی می‌خوابید در طبیعت تنی به آب بزنید، شفافیت و رنگ آب از جمله اولین چیزهایی است که به آن توجه می‌کنید. شما بدون اینکه بدانید در حال به کار بردن مفاهیمی از فیزیک، زیست‌شناسی و شیمی برای ارزیابی آب هستید. عواملی که در نهایت رنگ و ظاهر آب را تعیین می‌کنند.

رنگ آب اطلاعات زیادی درباره محتوای آن به ما می‌دهد و یکی از ابزارهایی است که مهندسان آب برای ارزیابی میزان آلودگی از آن بهره می‌برند.

آبی که می‌نوشیم معمولا شفاف است اما آب برکه‌ها، رودخانه‌ها و قایق‌ها حاوی ذرات معلقی است که می‌توانند شامل خاک، سنگ، یا بقایای گیاهی یا سایر مواد باشند.

وقتی نور خورشید به سطح آب می‌تابد این ذرات با آن واکنش نشان می‌دهند و تعیین می‌کنند که ما آب را با چه رنگی ببینیم.

این ذرات معمولا در هنگام بارندگی وارد آب می‌شوند. هر قطره آبی که به زمین می‌رسد و جذب خاک نمی‌شود، در مسیر خود به سمت رودخانه‌ها و دریاچه‌ها حرکت می‌کند و در این میان ذرات مختلفی را با خود حمل می‌کند.

وقتی نور خورشید به سطح آب می‌تابد این ذرات با آن واکنش نشان می‌دهند؛ برخی از آن‌ها نور را جذب می‌کنند و برخی دیگر آن را در جهت‌های مختلف منعکس می‌کنند. این فرایند که به آن پراکنش گفته می‌شود، تعیین می‌کند که ما آب را با چه رنگی ببینیم.

چرا برخی آب‌ها آبی و برخی گل‌آلودند؟

رنگی که ما در آب مشاهده می‌کنیم به طول موج نوری بستگی دارد که از سطح آب بازتاب می‌شود. در اپیلی که رسوبات زیادی دارند، مانند رودخانه «میسوری» که به گل‌آلود بودنش شهرت دارد، نور در طیف زرد تا قرمز پراکنده می‌شود و به همین دلیل رنگ آب آن نارنجی و گل‌آلود به نظر می‌رسد.

اما آب‌های زلال ترمانند دریاچه «کریتر» در ایالت اورگن آمریکا، عمدتا نور آبی را بازتاب می‌دهند و به همین دلیل به رنگ آبی دیده می‌شوند. آب این دریاچه که در دهانه یک آتشفشان شکل گرفته تنها از باران و برف تامین می‌شود و هیچ رودخانه‌ای به آن وارد نمی‌شود، به همین دلیل فاقد رسوبات معلق است.

در آب‌های کم‌عمق و بسیار شفاف مانند آب‌های اطراف جزایر «کاراکیب» بازتاب نور از بستر شنی سفید باعث می‌شود که آب به رنگ آبی روشن یا فیروزه‌ای دیده شود.

از سوی دیگر اگر آب حاوی مقدار زیادی گیاهان آبزی باشد، رنگ آن تغییر می‌کند. کلروفیل رنگدانه‌ای که گیاهان در برگ‌های خود تولید می‌کنند، نور آبی را جذب کرده و نور سبز را بازتاب می‌کند. این پدیده معمولا در مناطقی رخ می‌دهد که رواناب‌های زیادی از مناطق مسکونی یا زمین‌های کشاورزی وارد آب می‌شود. دریاچه «اوکیچوبی» در فلوریدا نمونه‌ای بارز از این وضعیت است. چرا که رواناب‌های حاوی کودهای شیمیایی باعث افزایش رشد گیاهان در این دریاچه شده‌اند.

در نهایت، برخی از آب‌ها حاوی مقادیر زیادی مواد آلی محلول هستند که از تجزیه گیاهان، لاشه جانوران یا فاضلاب انسانی و حیوانی به وجود می‌آیند. این مواد که معمولا در مناطق جنگلی یا تواحی برجعمیت شهری یافت می‌شوند، بیشتر نور را جذب کرده و تنها مقدار کمی از آن را بازتاب می‌دهند به همین دلیل، آب در این مناطق اغلب به رنگ تیره دیده می‌شود.

وقتی آب بیش از حد آلوده می‌شود

آب‌های موجود در طبیعت باید حاوی مقدار مشخصی از رسوبات، کلروفیل و مواد آلی باشند. چرا که این مواد نقش مهمی در بقای موجودات زنده آبزی، از میکروب‌های کوچک گرفته تا ماهی‌هایی که انسان‌ها مصرف می‌کنند، ایفا می‌کنند. اما مقدار زیاد این مواد می‌تواند مشکل‌ساز شود.

زمانی که آب حاوی مقدار زیادی مواد مغذی باشد و با بالا رفتن دما در روزهای گرم و آفتابی رشد گیاهان آبزی از کنترل خارج می‌شود. این شرایط می‌تواند باعث ایجاد «شکوفه‌های جلبکی مضر» شود؛ تجمعاتی از جلبک‌های سمی که برای انسان خطرناک هستند و شنا در چنین آب‌هایی یا مصرف ماهی‌های صیدشده از آن‌ها می‌تواند منجر به بیماری شود. در مواردی که آب به حدی آلوده می‌شود که سلامت ماهی‌ها، گیاهان یا حتی انسان‌ها را به خطر بیندازد، قوانین برخی دولت‌ها را مازم به اکسازی آن می‌کند. در چنین شرایطی، رنگ آب می‌تواند راهنمایی برای این اقدامات باشد.

نظارت بر کیفیت آب از طریق رنگ آن

کارشناسان حوزه آب با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای و داده‌های نمونه‌برداری، نقشه‌هایی از کیفیت آب تهیه می‌کنند و دولت‌ها از این نقشه‌ها برای پایش سطح کلروفیل و بررسی تغییرات آن در طول زمان و مکان استفاده می‌کنند. این اطلاعات به آن‌ها کمک می‌کند تا در صورت وقوع شکوفه‌های جلبکی مضر، به مردم هشدار دهند و اقدامات لازم را برای بهبود کیفیت آب انجام دهند.

تغذیه سالم در ماه رمضان
بایدها و نبایدهای روزه‌داری
آمادگی بدن برای ماه رمضان
تنظیم الگوی خواب
آمادگی جسمانی
مشورت با پزشک
تنظیم تدریجی الگوی غذایی
اصول تغذیه روزه‌داران
آهسته غذا میل کردن
افزایش مصرف فیبر
مصرف پروتئین و کلسیم
ورزش و فعالیت بدنی
پرهیز از مصرف نمک و ادویه اضافی
در ماه رمضان چه غذاهایی بخوریم؟
نان، حبوبات و سایر غلات
میوه و سبزیجات
گوشت قرمز، ماهی و مرغ
شیر